

اثر حقوق مالکیت معنوی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه منا

■ سارا ساری گل
دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی
دانشگاه بوعلی سینا
sarasarigol@gmail.com

■ ابوالفضل شاه‌آبادی*
استادیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
دانشگاه بوعلی سینا
shahabadia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۴/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۷/۲۷

چکیده

مسئله توزیع درآمد^۱ و نابرابری‌های حاصل از آن از جمله موضوعات مورد بحث در بسیاری از جوامع بوده است. از این‌رو همواره سعی گردیده تا عواملی که باعث ایجاد انحراف در توزیع درآمد می‌شوند، مورد شناسایی قرار گیرند. زیرا در صورت شناسایی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد می‌توان در جهت دستیابی به هدف تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار گام برداشت. از آنجایی که امروزه مفاهیمی چون اندیشه نوآوری و خلاقیت بیش از گذشته ارزش مبادلاتی پیدا کرده است و به عنوان سرمایه‌های ارزشمند مورد حمایت واقع شده‌اند، از این‌رو با توجه به اهمیت حقوق مالکیت معنوی^۲ در ایجاد و پرورش اندیشه نوآوری و خلاقیت به بررسی اثر حقوق مالکیت معنوی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه منا به ویژه ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۵ می‌پردازیم. نتایج مطالعه حاکی از آن است که وضعیت کشورهای منطقه منا در شاخص جینی و حقوق مالکیت معنوی نامطلوب می‌باشد. حقوق مالکیت معنوی دارای دو اثر متفاوت بر توزیع درآمد است: از یک‌سو با حمایت از خلاقیت و نوآوری به‌منظور ایجاد اشتغال‌های مولد و کارآفرینی، افزایش بهره‌وری و تولید ثروت از علم و فناوری می‌تواند موجب بهبود در توزیع درآمد شود و از سوی دیگر ممکن است به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات و فناوری‌های ناشی از انحصار موجب بدتر شدن توزیع درآمد شود.

واژگان کلیدی

توزیع درآمد، حقوق مالکیت معنوی، نوآوری، رفاه اجتماعی، کشورهای منطقه منا.

مقدمه

تئوری‌های توسعه در ابتدا بر رشد اقتصادی تأکید داشته و حتی رشد را برای رسیدن به برابری بیشتر درآمدها ضروری می‌دانستند. اما تجارب اکثر اقتصادهای در حال توسعه همچون کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین که هدف خود را رشد قرار داده و حتی به رشدهای قابل ملاحظه نیز در تاریخ اقتصادی خود دست یافته بودند، نشان داد که علی‌رغم موفقیت نسبی آنها در رشد اقتصادی، وضعیت مردم فقیر آنها چندان بهبود نیافته است و این به سبب افزایش نابرابری در این کشورها بود، زیرا فواید رشد اقتصادی عمدتاً عاید ثروتمندان می‌شد. از این‌رو به‌خصوص پس از دهه ۱۹۸۰ به بعد موضوع نابرابری در محافل علمی و سیاست‌گذاری اهمیت بسیاری پیدا نمود؛ به طوری که شاید بتوان گفت «نابرابری درآمد اصلی‌ترین دل‌مشغولی اقتصاد تجربی مدرن شده است.»^[۱] و بنا به گفته تودارو^[۲] امروزه ریشه‌کن کردن فقر و نابرابری مرکز ثقل مسائل قرار گرفته و هدف اصلی سیاست توسعه برای بسیاری از کشورها می‌باشد. به همین سبب امروزه بهبود در توزیع درآمدها و مبارزه با فقر و کاهش نابرابری جزء اهداف عمده راهبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی از وظایف مهم دولت‌ها محسوب می‌شود. به طوری که در کشورهای توسعه‌یافته یکی از هدف‌های مهم سیاست‌گذاران اقتصادی، ارتقای کیفیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی در جامعه است و در کشورهای در حال توسعه نیز فقط رشد اقتصادی هدف تلقی نمی‌شود بلکه این کشورها همگام با کشورهای توسعه یافته افزایش رفاه اجتماعی را هم یکی از هدف‌های اصلی و از معیارهای توسعه‌یافتگی در نظر می‌گیرند^[۳]. و از آنجا که میزان رفاه اجتماعی خانوارها به میزان درآمد آنها بستگی دارد و توزیع مناسب درآمد باعث افزایش سطح رفاه اجتماعی در کل جامعه و برای اکثریت خانواده‌ها می‌شود لذا توزیع عادلانه درآمد یکی از اهداف مهم برنامه‌های توسعه کشورها به شمار می‌آید^[۴]. بنابراین ارزیابی نابرابری توزیع درآمد در جامعه

مورد مطالعه پرداخته می‌شود و نهایتاً پس از آن نتیجه‌گیری و نکات سیاستی بیان می‌گردد.

مبانی نظری و مطالعات تجربی

توزیع درآمد در نظریه‌های اقتصاددانان اهمیت ویژه‌ای داشته است. در این جا به برخی از نظرات اقتصاددانان درباره توزیع درآمد اشاره می‌کنیم: اسمیت در نظریه توزیع ثروت، توزیع برابر درآمد ملی در جامعه را هم به نفع کارگران و هم به نفع سرمایه‌گذاران می‌داند [۶]. ریکاردو بر این باور بود که تولیدات جامعه بین عامل‌های سه‌گانه تولید، یعنی زمین، نیروی کار و سرمایه، به صورت اجاره به عنوان سهم زمین‌داران، دستمزد به عنوان سهم نیروی کار و سود به عنوان سهم سرمایه‌داران از تولید تقسیم می‌شود و از نظر وی چگونگی تخصیص درآمد ناشی از تولید بسیار مهم است و چگونگی تقسیم درآمد بین عامل‌های تولید در رشد و توسعه اقتصادی نقشی مهم دارد [۷] و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ اکثر قریب به اتفاق اقتصاددانان بر این عقیده بودند که نابرابری درآمد و ثروت انگیزه لازم برای انباشت سرمایه و رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد که در این زمینه نظرات متعددی بیان شد که معروف‌ترین آنها نظریه کوزنتس است. اما امروزه اقتصاددانان به این نتیجه رسیده‌اند که نه تنها لازم رشد اقتصادی (حتی در مرحله اولیه آن) توزیع نابرابر درآمدها و امکانات نیست بلکه برعکس، شرط تسریع در رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه، توزیع عادلانه درآمدها و امکانات می‌باشد و این

به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با توسعه اقتصادی، سیاست و فرهنگ دارد، همواره با تحولات چشمگیر و به همین اندازه با چالش‌های مختلف به خصوص میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مواجه بوده است. لذا در این تحقیق، هدف، پاسخ به این سؤال است که حمایت از حقوق مالکیت معنوی چگونه بر توزیع درآمد کشورهای منطقه منا تأثیر می‌گذارد؟

تردیدی نیست امروزه بالابردن رفاه عامه مردم، فقرزدایی، کاهش اختلافات طبقاتی و در نهایت برقراری عدالت اجتماعی یکی از آرمان‌های متعالی در هر جامعه‌ای می‌باشد که جامعه را به سمت رشد و توسعه اقتصادی سوق می‌دهد و از آنجا که کشورهای منطقه منا دارای بالاترین منابع نفتی و گازی در جهان هستند و این منطقه مرکز توجه جهانی و شاید حساس‌ترین منطقه جهان از منظر راهبردی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است و کشورهایی در حال توسعه هستند، از این رو در این مطالعه به منظور ارائه راهکارهای سیاستی مناسب برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان اقتصادی این کشورها به‌ویژه اقتصاد ایران برای تحقق عدالت اجتماعی، افزایش رفاه عمومی و حرکت به سوی توسعه اقتصادی به بررسی، مقایسه و تجزیه و تحلیل اثر حقوق مالکیت معنوی بر توزیع درآمد کشورهای منطقه منا طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۵ می‌پردازیم. سپس در بخش دوم مبانی نظری و مطالعات تجربی ارائه می‌شود و سپس در بخش سوم به تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و اطلاعات کشورهای

و کمی نمودن آن، شناسایی عوامل و ریشه‌های افزایش‌دهنده و راهکارهای کاهش آن مرکز توجه اقتصاد دانانی است که به مسائل عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی پایدار توجه دارند. اما از آنجا که عمده تحلیل‌هایی که تاکنون در این ارتباط صورت گرفته‌اند معطوف به جنبه‌ها و عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر نابرابری‌های درآمدی بوده‌اند، به همین خاطر از سایر جنبه‌های دخیل در این مسأله غفلت گردیده است. لذا در این مقاله قصد داریم از جنبه‌های دیگر به موضوع توزیع درآمد و عوامل تأثیرگذار بر آن بپردازیم. شایان ذکر است امروزه با محوریت‌یافتن فکر و خلاقیت در حرکت جوامع و در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... به طوری که تمام نظام‌های اجتماعی امروزه با عنوان توسعه منابع انسانی به این بعد اساسی انسان (فکر و خلاقیت) می‌پردازند، لذا در سطح جهانی سیستم‌هایی برای این امر طراحی شده است که اهم آنها مالکیت معنوی (فکری) است. این سیستم با حمایت مادی و معنوی (اخلاقی) از خالق اثری که ناشی از فکر اوست به‌عنوان موتور محرکه انگیزه‌های انسانی برای خلق آثار بدیع و توسعه‌زا عمل می‌کند و از این‌رو تشکیل نظام حقوق مالکیت معنوی مؤثر انگیزه‌ای برای تولید، خلق دانش جدید و انتشار آن است [۵]. به همین دلیل است که کشورهای صنعتی پیش‌قدم شده و با سازماندهی سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO)، به هم‌سازسازی حرکت کشورها در این زمینه اقدام کردند. اما حقوق مالکیت معنوی

1. World Intellectual Property Organization

سازمان جهانی مالکیت معنوی سازمانی بین‌المللی است که هدف اصلی آن تضمین حمایت از حقوق پدیدآورندگان و مالکین حقوق مالکیت صنعتی در سرتاسر جهان و همچنین شناسایی و قردادانی از مخترعان و نویسندگان به دلیل قوه ابتکار آنهاست. این سازمان

درآمد کاملاً یکسان موضوعیت ندارد. روشن است که چنین امری در هیچ اقتصادی تاکنون محقق نشده است، اما کم‌بودن فاصله طبقاتی، ویژگی یک اقتصاد سالم است. اقتصادی که فقط عده خاصی قادر هستند در آن درآمد کسب کنند و عده قابل توجهی هم در شرایط نامساعد به سر می‌برند، قطعاً یک اقتصاد سالم نیست.

در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد و مقر آن در شهر ژنو سوئیس است. این سازمان در حال حاضر بیش از ۱۸۰ عضو دارد و یکی از نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد به شمار می‌رود. ۲- البته لازم به ذکر است که با توجه به عدم یکسان بودن فرصت‌ها و استعدادها و پذیرش حقوق مالکیت خصوصی، صحبت از توزیع

دو باید به موازات یکدیگر پیش روند تا تعادل بین رشد و توزیع عادلانه درآمد همواره برقرار گردد. از این رو اقتصاددانان توسعه شکاف عظیم درآمدی بین طبقات پایین و بالای جامعه در کشورهای توسعه نیافته را نه تنها به عنوان یک مزیت اقتصادی نمی دانند بلکه آن را مانعی بر سر راه رشد پایدار و توسعه اقتصادی ذکر می کنند. به همین جهت همواره سعی گردیده تا عواملی که بر توزیع درآمد تأثیر می گذارند شناسایی گردند. لیکن نبایستی از نظر دور داشت که حمایت از حقوق مالکیت معنوی نیز می تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد باشد. موضوع مالکیت معنوی (فکری) که ناشی از هنر و ابتکارات انسان است بحث نوینی نیست، بلکه با پیدایش انسان، مالکیت معنوی نیز به وجود آمده است چرا که فکر، قدرت لاینفکی بوده که انسان هیچ وقت از آن خالی نبوده و همیشه به منظور رفع نیازهای خود از آن بهره می گرفته است. در مورد حقوق مالکیت معنوی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است: تعریف سازمان جهانی مالکیت معنوی از مالکیت معنوی عبارتست از: حقوق قانونی که افراد به واسطه فعالیت هایی که در زمینه هایی از قبیل صنعتی، علمی، هنری و ... به دست می آورند. به عبارتی حقوق مالکیت معنوی حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی داد و ستد بوده ولی موضوع آنها شیء معین مادی نیست. این حقوق به موضوعاتی می پردازد که زائیده فکر و اندیشه انسان و با آفریده های ذهنی مرتبط است. به بیان دیگر موضوع این نوع مالکیت ذات غیرقابل لمس آن است. در واقع می توان چنین عنوان کرد، مالکیت

معنوی وجهی از دانش و اطلاعات است که در محصولات فیزیکی یا روند تولید آنها تجلی یافته است. این حقوق فارغ از هرگونه شروط قراردادی، منافی را برای پدیدآورنده اثر در نظر گرفته و افراد جامعه را نسبت به رعایت آن ملزم و مکلف می کند [۸]. و این حمایت بین المللی برای خلاقیت بشر بسیار حائز اهمیت بوده و باعث گسترش مرزهای صنعت و فناوری گردیده و در نتیجه موجب ارتقاء سطح ادبیات و هنر در جهان، ایجاد محیطی بانیات برای بازاریابی تولیدات فکری و نهایتاً موجب حرکت چرخ های تجارت بین الملل خواهد شد. اما شایان ذکر است حقوق مالکیت معنوی بر حسب طبیعت پویای خود و به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با جهانی شدن و تجارت برقرار کرده است یکی از پرتحول ترین حوزه های اقتصادی در عصر کنونی به شمار می آید. اهمیت این موضوع از آنجا آشکار می گردد که امروزه یکی از عمده ترین حوزه های مناقشه انگیز میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مقوله حمایت یا عدم حمایت از محصولات فکری و گستره آن می باشد. از یک سو کشورهای توسعه یافته با تأکید بر لزوم حمایت از این حقوق، تقویت حمایت را موجب افزایش توسعه و تسهیل انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه می دانند و از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه با این استدلال که مالکیت فکری باید وسیله ای برای تحقق توسعه باشد، نه هدف، خواستار تعدیل گستره حقوق مزبور و انحصارات ناشی از آن شده اند [۹]. البته تلاش هایی صورت گرفته است تا نشان داده شود که اگر کشورهای در حال توسعه نظام مالکیت معنوی را بپذیرند

در درازمدت سود خواهند برد؛ زیرا عدم پذیرش مالکیت فکری موجب خواهد شد پدیدآورندگان بومی به ثبت آثار خود در کشورهای توسعه یافته تمایل پیدا کنند. اما یک سیستم مالکیت معنوی متعادل و کارآمد می تواند به همه کشورها کمک کند تا توانایی مالکیت معنوی را به عنوان یک ابزار قدرتمند برای توسعه اقتصاد و رفاه اجتماعی و فرهنگی بشناسند و این سیستم به ایجاد تعادل بین منافع نوآور و منافع عموم کمک می کند و محیطی را فراهم می کند که در آن خلاقیت و نوآوری در جهت سود همگانی پیشرفت کند.

در ادامه به بررسی برخی از مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه می پردازیم: ابراهیم حیدر و ولسکوئز (۲۰۰۹) در مطالعه ای به بررسی ارتباط بین حقوق مالکیت و نابرابری درآمد در ۲۲ کشور مستعمره سابق اروپا پرداخته اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که حمایت بیشتر از حقوق مالکیت اثر غیرمنتظره ای بر توزیع درآمد داشته و منجر به نابرابری بیشتر درآمد می شود. با این حال در ادامه بیان می دارند این نتیجه به این معنا نیست که حمایت از حقوق مالکیت را نباید دنبال کرد، چون حمایت بیشتر از حقوق مالکیت با رشد اقتصادی بالاتری همراه است. محققان در ادامه پیشنهاد می کنند اگر دولت ها می خواهند از رشد نابرابری درآمد جلوگیری کنند، بایستی رفع محدودیت هایی که مانع بهره مندی مردم با سطوح درآمدی پایین از مزایای حقوق مالکیت می شود یک اولویت برایشان باشد، یا اینکه کشورهایی که می خواهند از طریق حمایت از حقوق مالکیت به رشد اقتصادی دست یابند نابرابری درآمد در حال

1. Ibrahim Haidar & Velasquez

۲- بنگلادش، کانادا، اکوادور، مصر، غنا، هند، جامائیکا، کنیا، ماداگاسکار، مالاوی، مالی، نیال، نیجر، نیجریه، پاکستان، پرو، فیلیپین، آفریقای جنوبی، سریلانکا، تانزانیا، اوگاندا، زامبیا

تجزیه و تحلیل آماری

برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فقر گسترده و پایین بودن سهم درآمد فقرا مورد توجه خاصی قرار گرفته است. با افزایش بین‌المللی مناسبات اقتصادی، نااطمینانی‌های ناشی از این مناسبات نیز افزایش یافته است و برخی شواهد نشان‌دهنده اختلافات درآمدی در دهه‌های اخیر، علاقه اقتصاددانان را به موضوع توزیع درآمد و تغییرات آن و عوامل مؤثر بر آن تشدید کرده است. از این رو، در این بخش از مطالعه ابتدا با استفاده از آمار و اطلاعات مربوط به سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۵ وضعیت کشورهای منطقه منا از جمله ایران را از لحاظ توزیع درآمد، شاخص رفاه اجتماعی آمارتیا سن^۳ و میزان حمایت از حقوق مالکیت معنوی مورد قیاس قرار داده و سپس در ادامه به بررسی نقش حقوق مالکیت معنوی بر توزیع درآمد این کشورها می‌پردازیم.

توزیع درآمد

امروزه توزیع درآمد چه در سطح جهانی، چه در مقیاس بین کشورها و چه در سطح بین منطقه‌ای مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. این موضوع در سال‌های اخیر جایگاهی ویژه در بحث‌های توسعه اقتصادی به خود اختصاص داده است. به همین خاطر، اهمیت ایجاد توزیع درآمد متعادل یکی از هدف‌های مهم دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی می‌باشد [۱۴].
فواید بهبود توزیع درآمد برای تمام کشورها مخصوصاً کشورهای منطقه منا، ما را بر آن داشته تا ترسیمی روشن از وضعیت توزیع درآمد در این کشورها ارائه دهیم. شاخص‌های متعددی برای سنجش نابرابری درآمد بین کشورها وجود

بین کشورهای دارنده نوآوری و تحقیق و توسعه گسترده اثر مثبتی دارد. همچنین زیرساخت‌های نهادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر منفی و معناداری بر نابرابری درآمد در کشورهای مورد مطالعه دارد [۱۲].

آمگاشی^۳ (۲۰۰۷) مقاله‌ای تحت عنوان "حقوق مالکیت ناقص، توزیع مجدد و کارایی" ارائه داده است. یافته‌های مطالعه حاکی از آن است که توزیع مجدد در حالی که تولید کل را افزایش می‌دهد، ممکن است وضعیت برخی از افراد جامعه را بدتر کند و تنها در شرایطی خاص، توزیع مجدد می‌تواند مطلوب گردد و کارایی را افزایش دهد و آن زمانی اتفاق می‌افتد که هزینه غارت‌گری به اندازه کافی کم و فناوری حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی ضعیف باشد و در کل نظام مالکیت ضعیفی در جامعه برقرار باشد [۱۳].

شایان ذکر است مطالعات گسترده‌ای در خصوص توزیع درآمد و عوامل مؤثر بر آن در اقتصاد ایران صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به بررسی توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران [۱۴]، آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران [۱۵]، شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران: مطالعه بین استانی [۱۶]، ارزیابی سهم عوامل تعیین‌کننده نابرابری و توزیع درآمد در اقتصاد ایران [۱۷]، تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران [۱۸]، اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد ایران [۱۹] و ... اشاره کرد.

ولی تاکنون تقریباً مطالعه جامع و کاملی در خصوص نقش حقوق مالکیت معنوی بر توزیع درآمد انجام نشده است.

رشد را به عنوان یک جریمه بپذیرند [۱۰].
آنگیوس و پنگ^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به‌طور نظری به بررسی اثرات حمایت کشورهای در حال توسعه از حقوق مالکیت معنوی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در اقتصاد جهانی می‌پردازند. بدین منظور در این مطالعه از دو کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه (شمال و جنوب) استفاده می‌کنند و فرض می‌کنند هر دو کشور (آمریکا و چین) در تحقیق و توسعه (R&D) سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما میزان و قابلیت فعالیت‌های نوآورانه در شمال بیشتر از جنوب است. محققان در تحقیق خود از شاخص پارک (۲۰۰۸) برای حقوق مالکیت معنوی بهره برده‌اند و نتایج تحقیق بیان‌گر آن است که حمایت بیشتر از ثبت اختراعات در هر کشوری رشد اقتصادی و نابرابری درآمد را در هر دو کشور افزایش می‌دهد و نتایج تخمین، دلالت بر این دارد که افزایش در شاخص پارک (از صفر تا ۵) با افزایش در ضریب جینی (از صفر تا ۱) در کشورهای در حال توسعه همراه است [۱۱].

آدامز^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "جهانی‌شدن و نابرابری درآمد: پیامدها برای حقوق مالکیت معنوی" به بررسی اثر جهانی‌شدن بر نابرابری درآمد در ۶۲ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۸۵ می‌پردازد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که جهانی‌شدن تنها ۱۵ درصد از واریانس نابرابری درآمد را توضیح می‌دهد و حمایت بیشتر از حقوق مالکیت معنوی و آزادسازی تجارت بر نابرابری درآمد اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین محقق بیان می‌دارد حمایت از حقوق مالکیت معنوی بر رفاه مصرف‌کنندگان و پیشرفت اجتماعی به خصوص در

1. Angus & Peng
2. Adams

3. Amegashie
4. Amartya Sen

دارد که ضریب جینی^۱ مشهورترین شاخص نابرابری توزیع درآمد و متداول ترین آنها از نظر استفاده در بررسی های توزیع درآمد است. از همین رو این شاخص بیشتر از هر شاخص دیگری در معرض پذیرش و رد قرار گرفته و محتوا و نقاط مثبت و منفی آن بررسی و مطرح شده است [۲۰]. همچنین با توجه به آنکه آمارهای آن از منابع آماری بانک جهانی قابل دستیابی است از این رو، برای بررسی نابرابری درآمد از این شاخص استفاده می کنیم. این ضریب عبارت است از: نسبت میانگین مجموع قدر مطلق تفاوت بین تمامی جفت درآمدها و بیشترین اندازه ممکن این تفاوت^۲. از نظر ترسیمی ضریب جینی سطح بین منحنی لورنز و خط برابری کامل (۴۵ درجه) به کل سطح بین خط برابری کامل و محور افقی را نشان می دهد. این ضریب بین حدود ۰ و ۱ قرار دارد [۷] و [۲۱]. اگر منحنی لورنز منطبق بر خط ۴۵ درجه باشد، ضریب معادل صفر است و اگر ضریب معادل یک باشد، نابرابری کامل در توزیع درآمد وجود دارد^۳.

سازمان ملل، در گزارش توسعه انسانی سالانه خود نیز از شاخص جینی استفاده کرده و آن را از صفر تا ۱۰۰ دسته بندی می کند و اعلام می دارد اگر مقدار این شاخص بین صفر و ۲۰ باشد نشانگر وضع خوب توزیع درآمد در یک کشور است، اگر مقدار عددی این شاخص بین ۲۰ تا ۴۰ باشد توزیع درآمد در این کشور متوسط و اگر مقدار عددی شاخص ۴۰ تا ۶۰ باشد این امر نشان دهنده وضع بد توزیع درآمد و بالاخره اگر مقدار عددی این شاخص بیشتر از ۶۰ باشد، نشان دهنده وضع خیلی بد توزیع درآمد است. بانک مرکزی ایران در گزارش خود، شاخص جینی

جدول ۱- شاخص جینی کشورهای منطقه منا طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۵ [۳۰، ۲۹]

کشور	متوسط دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۳	۲۰۰۵	۲۰۰۷
اردن	۳۶/۴۲	-	۳۸/۸۷	-	۳۷/۷۲
امارات	۳۵/۳۳	-	-	-	-
ایران	۳۹/۹۷	۳۹/۹۳	۳۹/۸۵	۴۱/۵۶	۴۴/۵
ترکیه	-	-	۴۲/۷۱	-	۴۱/۱۵
تونس	۴۱/۶۶	۴۰/۸۱	-	۴۰	-
الجزایر	۳۵/۳۳	-	-	-	-
جیبوتی	۳۶/۷۷	-	۳۹/۸۵	-	-
سنگاپور	۴۲/۴۷	۴۸/۱	-	-	۴۸/۱
عراق	-	-	۳۵/۱	-	-
مراکش	۳۹/۴۶	-	۴۰/۶۳	-	۴۰/۸۸
مصر	۳۰/۱۳	۳۲/۷۶	۳۴/۴	-	۳۲/۱۴
یمن	۳۳/۴۴	-	-	-	۳۷/۶۹

* کشورهای کویت، لبنان، قطر، عمان، عربستان، سوریه و بحرین به دلیل نداشتن آمار از تجزیه و تحلیل حذف شده اند.

ایران را در سال های ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ به ترتیب معادل ۳۹/۹۱، ۳۹/۸۵، ۴۱/۵۶، ۴۰/۲۳، ۴۰/۸۸ اعلام کرده است که وضعیت ایران نسبت به سال ۲۰۰۰ بدتر شده است. بهترین وضعیت از منظر شاخص مذکور در سال ۲۰۰۱ با شاخص جینی ۳۹/۸۵ بوده است. در حالی که مصر با رتبه شاخص توسعه انسانی پایین تر از ایران دارای شاخص جینی ۳۲/۱۴ است. یعنی مصر از لحاظ توزیع عادلانه تر ثروت از ایران جلوتر است. شاخص مذکور برای کشورهای یمن و ترکیه در سال ۲۰۰۵ به ترتیب ۳۷/۶۹ و ۴۳/۲۳ بوده است که وضعیت کشور ترکیه نسبت به سال ۲۰۰۱ بدتر شده است. طبق آمارهای موجود شاخص جینی برای اغلب کشورهای توسعه یافته و صنعتی اتحادیه اروپا بین ۲۴ تا ۳۶ است و گزارش ها نشان می دهد شاخص جینی در کشورهای ژاپن و اسکاندیناوی در پایین ترین سطح است و کشورهای اروپای

شرقی در دسته بعدی قرار دارند. در سال ۲۰۰۵ شاخص جینی در کشور سوئد ۲۳ بوده که نشان دهنده توزیع برابر درآمد در آن کشور است. اما بررسی آمارهای موجود نشان می دهد اغلب کشورهای منطقه منا به لحاظ توزیع درآمد در شرایط نامطلوبی به سر می برند و سیر تحول ضریب جینی در یک دهه در منطقه منا به ویژه کشور ایران نشان گر این است که ضریب تغییرات چندان مهمی را نداشته و نوسانات آن کم است و تجمع درآمدها هنوز در اختیار تعداد کمی از افراد قرار دارد که به معنای توزیع ناعادلانه درآمد کشورهای منطقه و عمیق تر شدن شکاف غنی و فقیر است.

سنجش رفاه اجتماعی

رفاه عبارت است از: قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی. اما به منظور کمی و محاسبه پذیر شدن، رفاه را مترادف با

1. Gini Coefficient

۲- این ضریب به صورت زیر تعریف می شود:

$$G = [1/2\mu^2] \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |x_i - x_j|$$

که در آن G ضریب جینی، n تعداد خانوار، x_i درآمد (هزینه) خانوار i ام، x_j درآمد (هزینه) خانوار j ام و μ متوسط درآمد (هزینه) جامعه است.

۳- در محاسبات اقتصادی برای استفاده آسان تر از این ضریب آن را در عدد ۱۰۰ ضرب می کنند و به جای ضریب جینی از شاخص جینی استفاده می کنند. این شاخص که بین صفر تا صد است نیز همان کارایی ضریب جینی را دارد.

جدول ۲- شاخص رفاه آمارتیا سن کشورهای منطقه منا طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۵ (۳۰ و محاسبات تحقیق)

کشور	متوسط دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۵	۲۰۰۷
اردن	۲۲۲۰/۸۸	-	-	-	-	۲۸۴۶/۲۵
امارات	۲۹۷۰۸/۴۰	-	-	-	-	-
ایران	۴۳۳۹/۴۲	۴۶۰۷/۳۵	۴۷۰۴/۶۹	۵۱۰۱/۹۱	۵۵۶۷/۲۰	۵۳۹۵/۲۲
ترکیه	-	-	۵۲۴۳/۶۱	-	۶۲۳۱/۸۰	۶۸۲۳/۲۳
تونس	۲۸۲۷/۳۸	۳۲۲۲/۵۱	-	-	۳۸۶۶/۸۸	-
الجزایر	۳۷۶۴/۶۵	-	-	-	-	-
جیبوتی	۱۲۲۰/۱۵	-	۱۰۵۵/۵۶	-	-	-
سنگاپور	۱۸۶۹۹/۰۵	-	-	-	-	۲۵۸۱۴/۴۸
عراق	-	-	-	۱۳۵۹/۲۳	۱۷۵۰/۲۸	-
عمان	-	-	-	۱۱۳۲۴/۹۰	-	-
مراکش	۱۶۹۸/۲۵	-	۱۲۵۶/۶۱	-	۲۰۹۸/۰۰۶	۲۲۳۵/۰۹
مصر	۲۵۳۱/۵۱	۲۶۸۴/۴۱	۲۶۶۰/۵۵	-	۲۹۳۰/۷۷	-
یمن	۱۳۰۲/۲۰	-	-	-	۱۳۶۷/۰۵	-

* کشورهای کویت، لبنان، قطر، عربستان، عراق، سوریه و بحرین به دلیل نداشتن آمار و اطلاعات از تجزیه و تحلیل حذف شده‌اند.

حقوق مالکیت معنوی

حقوق مالکیت معنوی یکی از حقوق اساسی افراد در جامعه است که با رشد روزافزون تولیدات فکری و فرهنگی تأثیری روزافزون می‌یابد. اگر چه مالکیت معنوی ریشه‌هایی کهن در تاریخ بشر دارد اما در گذشته حقوق مرتبط با آن جایگاه روشنی نداشته و تحت حمایت‌های حکومتی قرار نمی‌گرفت. امروزه حقوق مالکیت معنوی به‌عنوان یکی از حقوق اساسی فردی و از جنبه‌های مهم رشد اقتصادی کشورها شناخته شده و تحت حمایت قوانین کشوری و بین‌المللی قرار گرفته است و این حقوق به‌وسیله اعطای حقوق انحصاری موقت به اختراعات، به دارندگان این حقوق اجازه می‌دهد که محصولاتشان را بالاتر از هزینه‌های آن قیمت‌گذاری کنند و از این‌رو قادر باشند هزینه‌های اولیه سرمایه‌گذاری تحقیقاتی خود را

به‌کندی صورت می‌گیرد. شاخص مذکور برای ایران در سال ۲۰۰۰، ۴۶۰۷/۳۵ دلار، در سال ۲۰۰۱، ۴۷۰۴/۶۹ دلار و در سال ۲۰۰۵ به ۵۵۶۷/۲۰ دلار افزایش یافته است. این در حالی است که در بین کشورهای منطقه این شاخص برای امارات و سنگاپور به‌طور متوسط در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۹ به ترتیب برابر با ۲۹۷۰۸/۴۲ و ۱۸۶۹۹/۰۵۴ دلار بوده است و این شاخص برای کشور سنگاپور برای سال ۲۰۰۷ به ۲۵۸۱۴/۴۸ دلار رسیده است. ترکیه نیز با میزان شاخص ۶۲۳۱/۸۷ دلار برای سال ۲۰۰۵ جلوتر از ایران، مصر و یمن قرار دارد. شایان ذکر است با توجه به وابستگی رفاه اجتماعی به درآمد و نحوه توزیع آن، اجرای هرگونه سیاستی که باعث افزایش درآمد و نحوه توزیع آن می‌شود نقش مؤثری در افزایش رفاه اجتماعی خواهد داشت.

بهرهمندی یا مطلوبیت در نظر می‌گیرند [۲۲]. بر این اساس، رفاه اجتماعی که در قالب «تابع رفاه اجتماعی»^۱ نمایش داده می‌شود برابر با مجموعه رفاه افراد جامعه خواهد بود. یکی از توابع معروف در این زمینه، تابع رفاه اجتماعی سن می‌باشد [۲۳]. سن در سال ۱۹۷۴ تابع زیر را به‌عنوان تابع رفاه اجتماعی پیشنهاد نمود:

$$W = \mu (1 - G)$$

متغیرهای اصلی در شاخص آمارتیا سن، درآمد سرانه و ضریب جینی هستند. در واقع حاصلضرب درآمد سرانه در تفاضل ضریب از عدد یک (که شاخص بهبود توزیع درآمد نامیده می‌شود)، می‌تواند تحلیلی بر تغییرات درآمدی (رشد یا رکود) باشد و همچنین تغییرات در توزیع درآمد در سال‌های مختلف را به صورت همزمان ارائه می‌دهد. ضریب جینی در «تابع رفاه اجتماعی»، نقش تأثیرات اندازه‌گیری می‌کند. در بعضی از مطالعات به جای ضریب جینی از سایر شاخص‌های نابرابری از جمله شاخص تایل استفاده شده است [۳]. مطابق جدول ۲ که شاخص رفاه آمارتیا سن در کشورهای منطقه منا را نشان می‌دهد، کشورهای مورد مطالعه در مقایسه با برخی از کشورهای در حال توسعه موفقیت‌چندانی در بهبود این شاخص نداشته‌اند و باید خاطر نشان ساخت روند بهبود شاخص رفاه در منطقه به‌کندی صورت می‌گیرد. مطابق جدول ۲ که شاخص رفاه آمارتیا سن در کشورهای منطقه منا را نشان می‌دهد، کشورهای مورد مطالعه در مقایسه با برخی از کشورهای در حال توسعه موفقیت‌چندانی در بهبود این شاخص نداشته‌اند و باید خاطر نشان ساخت روند بهبود شاخص رفاه در منطقه

جدول ۳- شاخص گینارت- پارک کشورهای منطقه مناطقی دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۶۰ [۲۵]

کشور	میانگین دوره ۱۹۶۰-۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵
اردن	۰/۶۶ (۱۱)	۱/۰۸ (۱۱)	۳/۰۳ (۵)	۳/۴۳ (۴)
ایران	۱/۹۱ (۳)	۱/۹۱ (۵)	۱/۹۱ (۹)	۱/۹۱ (۱۰)
ترکیه	۱/۱۶ (۱۰)	۲/۶۵ (۳)	۴/۰۱ (۲)	۴/۰۱ (۲)
تونس	۱/۴۵ (۸)	۱/۶۵ (۱۰)	۲/۳۲ (۶)	۳/۲۵ (۵)
الجزایر	۲/۷۴ (۱)	۲/۷۴ (۲)	۳/۰۷ (۳)	۳/۰۷ (۶)
سنگاپور	۱/۶۴ (۶)	۳/۸۸ (۱)	۴/۰۱ (۱)	۴/۲۱ (۱)
سوریه	۱/۶۸ (۵)	۱/۸۷ (۶)	۱/۹۹ (۸)	۲/۱۹ (۹)
عراق	۱/۹۵ (۲)	۲/۱۲ (۴)	۲/۱۲ (۷)	۱/۷۸ (۱۱)
عربستان	۱/۸۳ (۴)	۱/۸۳ (۷)	۱/۸۳ (۱۱)	۲/۹۸ (۷)
مصر	۱/۴۱ (۹)	۱/۷۳ (۹)	۱/۸۶ (۱۰)	۲/۷۷ (۸)
مراکش	۱/۵۸ (۷)	۱/۷۸ (۸)	۳/۰۶ (۴)	۳/۵۲ (۳)

* شایان ذکر است کشورهای امارات، بحرین، جیبوتی، عمان، کویت، لبنان و یمن به دلیل نداشتن آمار از تجزیه و تحلیل حذف شده‌اند.
** اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در منطقه منای می‌باشد.

دوره متوالی است که به عنوان بهترین کشور منطقه معرفی شده است و کشور عراق نیز پرمشکل‌ترین کشور در این زمینه بوده است. ایران نیز برای تمام دوره‌ها و بدون هیچ‌گونه پیشرفتگی در میان کشورهای منطقه (متشکل از ۱۱ کشور) در سال ۲۰۰۵ از نظر قدرت نظام IPR و حمایت از حقوق مالکیت معنوی رتبه دهم را کسب کرده است در حالی که در سال ۱۹۹۵ در مکان سوم منطقه قرار گرفته بود. این در حالی است که کشورهای اردن و ترکیه با تقویت نظام حقوقی خود به‌ویژه در مورد حمایت از حقوق مالکیت معنوی به ترتیب از رتبه یازدهم و دهم با شاخص‌های ۰/۶۶ و ۱/۱۶ به رتبه چهارم و دوم با شاخص‌های ۳/۴۳ و ۴/۰۱ رسیده‌اند. لازم به ذکر است کشورهای اردن و ترکیه به‌رغم حمایت‌های چشمگیر از حقوق مالکیت معنوی، میزان شاخص جینی آنها تغییرات چشمگیری نداشته است. شاخص جینی کشور ترکیه از ۴۲/۷۱ در سال ۲۰۰۲ به ۴۳/۲۳ در سال ۲۰۰۵ رسیده است و برای کشور اردن این شاخص به‌طور متوسط در سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۵، ۳۶/۴۲ بوده که در سال ۲۰۰۵ به ۳۸/۸۷ افزایش یافته است. کشور تونس در هر دو شاخص حقوق مالکیت معنوی و شاخص جینی توانسته رتبه خود را بهبود بخشد و جایگاه این کشور در شاخص حقوق مالکیت معنوی از رتبه دهم در سال ۱۹۹۵ با ۵ پله صعود در سال ۲۰۰۵ در جایگاه پنجم منطقه قرار گرفته است و میزان شاخص جینی این کشور به‌طور متوسط از ۴۱/۶۶ در سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۵ به ۴۰/۶۱ در سال ۲۰۰۰ رسیده است. شاخص جینی برای کشور ایران نیز به‌رغم عدم حمایت از حقوق مالکیت معنوی از ۳۹/۹۱ در سال ۲۰۰۰ به ۴۰/۲۲ در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. البته باید

جبران کنند [۲۳]. از این‌رو بسیاری از کشورها در سطوح مختلف توسعه به طور روزافزونی از حقوق مالکیت معنوی به منظور حمایت از توسعه نوآوری و فناوری در کشور خود استفاده می‌کنند. شاخص حقوق مالکیت معنوی در مطالعات جهانی به طور عمومی توسط دو شاخص مهم راپ و روزک^۱ [۲۴] و شاخص گینارت - پارک^۲ [۲۵] سنجش می‌شود و شاخص گینارت - پارک به دلیل برخی مزیت‌های قابل توجه استفاده گسترده‌تری دارد. از این‌رو بهترین شاخص برای سنجش شدت حقوق مالکیت معنوی استفاده از شاخص گینارت - پارک (۲۰۰۸) می‌باشد که این شاخص بر پنج دسته از قوانین حق ثبت اختراع بنا شده است: گستره پوشش، عضویت در توافق‌نامه‌های بین‌المللی حق ثبت اختراع، تمهیدات و تدارکات لازم در صورت فقدان حمایت، ساز و کارهای اجرا و طول دوره حمایت که به هر کدام از این قوانین، ارزشی بین ۰ تا ۱ داده می‌شود، مجموع غیروزنی این ارزش‌ها، از عددی بین ۰ تا ۵ می‌باشد. هر کشوری که بالاترین عدد را به خود اختصاص داده باشد، نشان‌دهنده حمایت قوی‌تر از ثبت اختراع در این کشور می‌باشد. این شاخص دو مزیت اصلی بر دیگر شاخص‌های حقوق مالکیت معنوی دارد [۲۶] و [۲۷]. اولاً این شاخص کشورهای بیشتر و دوره زمانی بزرگتری را نسبت به سایر شاخص‌ها تحت پوشش قرار می‌دهد. ثانیاً این شاخص نظام حق ثبت اختراع را دست‌نبرد می‌کند و از این‌رو گوناگونی بیشتری را در اندازه‌گیری حقوق مالکیت معنوی میان کشورها نتیجه می‌دهد. براساس جدول ۳ که نشان‌دهنده شاخص گینارت - پارک است، کشور سنگاپور برای سومین

1. Rapp & Rozek
2. Ginarte & Park

۳- شاخص گینارت-پارک ابتدا برای دوره ۱۹۶۰-۱۹۹۰ و شامل ۱۱۰ کشور بود که این شاخص در سال ۲۰۰۸ توسط پارک برای دوره ۱۹۶۰-۲۰۰۵ و ۱۲۲ کشور به روز شد.

را مورد حمایت قرار دهد و به آنها حق انحصاری فروش استفاده از کالا یا فناوری را اعطا کند. بدین طریق امتیاز لیسانس، حق مؤلف و سایر حقوق مالکیت معنوی دست رقبای تجاری را از هرگونه تقلب و جعل کوتاه کرده و قیمت کالاها را افزایش می‌دهد که این موضوع می‌تواند به بدتر شدن توزیع درآمد کمک کند. به این دلیل که بار بیشتر آن بر فقرا تحمیل می‌گردد. از این رو برخی از کشورهای در حال توسعه هنوز بر این باورند که با استفاده غیرمجاز و کپی‌کردن مخفیانه از اختراعات یا سایر موارد، بدون پرداخت هزینه قابل ملاحظه‌ای، از ابداعات دیگران استفاده کنند اما به دلایل زیر این کار راه به جایی نخواهد برد:

- ۱- کپی‌کردن فناوری‌های پیشرفته کشورهای در حال توسعه از سایر کشورها، صادراتی را در پی نخواهد داشت.
- ۲- این کار قیمت فناوری و نوآوری را در کشورهای مذکور تقریباً بی‌ارزش می‌کند. لذا انگیزه‌ای برای محققان و صنایع جهت سرمایه‌گذاری در این موضوع باقی نمی‌ماند.

البته باید خاطر نشان ساخت، منفی بودن اثر حقوق مالکیت معنوی بر توزیع درآمد به این معنا نیست که کشورهای در حال توسعه منطقه منا به ویژه ایران نبایستی به این مؤلفه حیاتی و جدی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و حقوقی خود اهمیتی دهند، بلکه عکس این مطلب صحیح است. به این دلیل که حمایت قوی و مؤثر از حقوق مالکیت معنوی به‌ویژه در سطح فعالین در اقتصاد داخلی سنگ بنایی است برای ایجاد سرمایه‌گذاری سالم در تحقیقات، علم و فناوری که یک رشته مزایای بلندمدت اقتصادی به دنبال دارد. برخی از پیامدهای این حمایت‌ها به قرار ذیل است:

در درازمدت به نفع شرکت‌های چند ملیتی فعال در بازار کشورهای در حال توسعه باشد، زیرا به تدریج باعث کنار رفتن رقبای داخلی از صحنه رقابت به نفع شرکت‌های متعلق به کشورهای صنعتی می‌شود. بنابراین یکی از دلایل مهم این شرکت‌ها بر حمایت گسترده از حقوق مالکیت معنوی، فایده اقتصادی غیر قابل انکار آن برای غول‌های صنعتی جهان است [۹]. امروزه ارزش مواد اولیه به کار رفته در محصولات جدید، تنها درصد اندکی از قیمت تمام شده آنهاست و عملاً بخش مهمی از مبلغی که پرداخت می‌شود بابت دانش و فناوری به کار رفته در محصولات هزینه می‌شود و این سهم هر روزه در حال افزایش است. به بیان دیگر، در دنیای جدید، ارزش افزوده اصلی عاید صاحبان فناوری می‌شود، کسانی که با انجام تحقیقات و صرف هزینه فراوان به فناوری جدید دست می‌یابند از طریق ثبت اختراع بر دستاوردهای خود اعمال مالکیت می‌کنند. اما لازم به ذکر است که پیشرفت فناوری عامل تعیین کننده رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی می‌باشد، به همین دلیل نیز کشورهای صنعتی نفع خود را در آن می‌بینند که اختراع و نوآوری را هرچه بیشتر تقویت کنند، اما همیشه این احتمال وجود دارد که هزینه بالای آن لزوماً با نتایج دلخواه توأم نگردد. به‌ویژه اگر یک نوآوری، ارزش نسبتاً زیادی داشته باشد و به سادگی قابل شبیه‌سازی باشد، در نتیجه شرکت‌های رقیب قادر خواهند بود که آن را کپی کرده و به فروش برسانند. با توجه به این احتمالات، شرکت‌های ابداع‌کننده ترجیح می‌دهند در صورتی سرمایه‌گذاری کلان در زمینه تحقیق و توسعه داشته باشند که حقوق مالکیت معنوی، منافعیشان

خاطر نشان ساخت بر اساس آمارهای موجود نمی‌توان رابطه خاصی بین شاخص حقوق مالکیت معنوی و شاخص جینی در کشورهای منطقه منا یافت و از آنجایی که مجموعه‌ای از عوامل بر توزیع درآمد کشورها تأثیرگذار است به نظر می‌رسد که حقوق مالکیت معنوی نقش تعیین‌کننده‌ای بر توزیع درآمد نداشته است و سایر مؤلفه‌ها اثرگذاری بیشتری داشته‌اند. کشورهای مراکش و مصر نیز توانسته‌اند رتبه خود را در شاخص گینارت-پارک بهبود بخشند. با نگاهی دقیق‌تر به جدول ۳، شاهد تقویت نظام IPR و افزایش کارایی آن در کشورهای منطقه منا به جز ایران و عراق هستیم.

اما در نهایت می‌توان بیان داشت وضعیت اغلب کشورهای منطقه در شاخص حقوق مالکیت معنوی همچنان نامطلوب و ضعیف می‌باشد و نتیجه‌گیری مزبور از این واقعیت ناشی می‌شود که سطح حمایت در بسیاری از کشورهای منطقه منا به‌ویژه ایران ضعیف بوده و برای موارد خاص وجود دارد. بنابراین حتی در مواردی که عرضه‌کنندگان فناوری‌های جدید آمادگی انتقال آنها را دارند، در عمل قدرت چانه‌زنی بیشتری را داشته و قیمت‌های بالاتری را تحمیل خواهند کرد. این جریان، همه کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زیرا آنها عمدتاً استفاده‌کنندگان از فناوری هستند.

به عبارتی می‌توان بیان داشت افزایش حمایت از حقوق انحصاری ناشی از مالکیت‌های فکری و در نتیجه منع تولید و تکثیر تجاری آنها در بازار کشورهای در حال توسعه، علاوه بر کاهش تولید، به افزایش تقاضا و در نتیجه بالا رفتن قیمت این محصولات منتهی می‌شود. این موضوع می‌تواند

پدید آمدن انگیزه برای نوآوری و در نتیجه ایجاد محیطی که در آن به نوآوری پاداش داده می‌شود، تشویق کشف روش‌هایی برای تولید و توزیع فرآورده‌های موجود با هزینه کمتر، دعوت به عرضه کم‌خطر و مؤثر محصولات، دانش فنی و خدمات جدید، ایجاد انگیزه برای بازارهای داخلی از طریق پذیرش و بهبود محصولات و فناوری‌های موجود و تشویق انتقال دانش فنی، کارآفرینی چه در صنایع پایه و چه در صنایع پشتیبان در تمامی سطوح اقتصاد، ایجاد نیروی کار با کیفیت بالاتر و با فن آشناتر از طریق آموزش ضمن کار در ارتباط با انتقال دانش فنی، افزایش سرمایه‌های جدید که می‌توان آنها را به منظور توسعه اقتصادی به‌کار انداخت، تحقق پیشرفت‌هایی که به ارتقاء سطح فناوری در سرتاسر جهان مدد خواهند رساند [۲۸].

همچنین باید خاطر نشان ساخت کشورهای در حال توسعه، همچنان نقش حاشیه‌ای را در فعالیت‌های تحقیق و توسعه دارند. در حالی که، برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود به فناوری مبتنی بر تحقیق و توسعه (تولید دانش) نیازمندند [۹].

در تحقیقات نشان داده شده است که اکثریت کشورهای در حال توسعه، تولیدکننده محصولات فکری و نوآوری نیستند، بلکه مصرف‌کننده حاصل تولیدات فکری کشورهای صنعتی می‌باشند. نظر به اینکه امروزه با غیرملموس شدن سرمایه و خلق ارزش‌های معنوی جدید، عملاً افزایش بهره‌وری و توسعه‌یافتگی هر چه بیشتر در گرو کار هوشمندانه و آگاهانه با در نظر گرفتن نیازهای رشدیافته جوامع ممکن شده است و به تعبیری ویژگی عصر حاضر، عصر صنایع مبتنی بر دانش است و بر این اساس ثروتمندترین فرد جهان

کسی است که توانایی تولید دانش بیشتر را دارا می‌باشد، بنابراین علم و دانش جدیدترین بنیاد خلق ثروت در عصر شبکه‌های جهانی شناخته شده است.

از این رو توجه روز افزون به نظام مالکیت معنوی به دلیل مزایای فوق‌الذکر در کشورهای در حال توسعه موجب انگیزه‌ای برای گسترش فعالیت‌های تحقیق و توسعه می‌شود. همچنین توجه به مقوله خلاقیت و نوآوری به‌منظور ایجاد اشتغال‌های مولد و کارآفرینی، افزایش بهره‌وری و تولید ثروت از علم و فناوری می‌تواند موجب بهبود توزیع درآمد به‌ویژه در اقتصاد ایران به دلیل توجه جدی دولت به آموزش در تمام سطوح و برای تمام اقشار گردد. از این رو کمک شایانی به رفاه اقشار جامعه به‌ویژه اقشار متوسط می‌کند. البته مشروط به اینکه در کنار توجه به حقوق مالکیت معنوی، سیاست‌های کلان اقتصادی هم‌سو با سیاست‌های آموزشی، علمی و پژوهشی باشد تا موجب تبدیل پتانسیل‌های بالقوه به بالفعل گردد. از این رو خلاقیت و نوآوری برای بقا و موفقیت جوامع و سازمان‌ها در عصر دانش امروزی حیاتی به‌نظر می‌رسد. زیرا اگر امروزه دولت‌ها و سازمان‌ها نتوانند نوآور باشند، آنگاه در انجام فعالیت‌های اقتصادی روزمره خود و دیگر چالش‌های راهبردی این عصر آن طور که بایستی اثر بخش و کارآمد باشند عمل نخواهند کرد. بنابراین حمایت از نظام مالکیت معنوی نیرومند و پویا در کشورهای در حال توسعه که بتواند در جلب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و برانگیختن خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها مؤثر باشد به تدریج به صورت یک ابزار مهم و کلیدی برای نیل به توسعه پایدار درآمده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

امروزه کمتر کشور و دولتی را می‌توان در جهان یافت که دولتمردانش در پی رفع فقر و محرومیت شهروندان و دستیابی به رفاه همگانی نباشند. اما در این میان فقط تعداد اندکی از کشورها قادر به رفع فقر یا به حداقل رساندن تعداد فقیران خود بوده‌اند و هنوز چهره خشن فقر و نابرابری در گوشه و کنار جهان خودنمایی می‌کند و بسیاری از کشورها و دولت‌ها درگیر حل این مسأله‌اند.

همچنین تردیدی نیست که در جهان امروز حقوق مالکیت معنوی به تکیه‌گاهی مطمئن برای توسعه علم و دانش و فناوری تبدیل شده است و در ایجاد زمینه نوآوری و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل نقش اساسی دارد. بدین جهت دولت‌ها با درک این موضوع مبادرت به تمهید قوانین لازم در این زمینه در عرصه داخلی و بین‌المللی نمودند.

لیکن آنچه مسلم است این که به دلیل نوبابودن این موضوع، هنوز در محافل حقوقی و اقتصادی مطالعات مناسبی پیرامون آن صورت نگرفته است. لذا این مطالعه درصدد بررسی اثر حقوق مالکیت معنوی به عنوان عاملی تعیین کننده بر توزیع درآمد است.

نتایج تحلیل حاضر نشان داد کشورهای مورد مطالعه از لحاظ شاخص‌های جینی و رفاه اجتماعی و حقوق مالکیت معنوی در شرایط مطلوبی قرار ندارند. همچنین باید خاطر نشان ساخت بر اساس نتایج، کشورهای منطقه منا به ویژه ایران در مواجهه با حقوق مالکیت معنوی با دو ضرورت متفاوت مواجه هستند: اولاً امروزه توانایی دستیابی به نوآوری‌ها با بهره‌گیری از منابع

سازمان‌های متولی موجود برای حمایت هدفمند از حقوق مالکیت معنوی، تدوین بانک‌های اطلاعاتی کارآمد در خصوص اطلاع‌رسانی اختراعات و دستاوردهای تحقیقاتی قابل تجاری‌سازی در سطوح ملی و بین‌المللی که موجبات ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها و بسترهای لازم و گسترش ایده‌های نوین و تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی را در صنایع فراهم می‌آورد توجه خاص نمایند.

لیکن ممکن است حقوق مالکیت معنوی نیز اثری منفی بر توزیع درآمد داشته باشد که باید توجه داشت با اجرای یک سیاست یا برنامه نمی‌توان فقر و توزیع نابرابر درآمد را از بین برد بلکه باید مجموعه‌ای از تدابیر و سیاست‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در زمینه‌های گوناگون استفاده کرد.

بنابراین توصیه می‌شود کشورهای مذکور از طرق دیگر از قبیل توانمندسازی جوانان، زنان، فارغ‌التحصیلان و سایر افراد جویای کار، توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم درآمد، ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی و اقتصادی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه‌های مالی و فیزیکی از طریق بازارهای مناسب، تقویت تولید کشورها و اهمیت‌دادن به کسب و کارهای کوچک و ... به بهبود توزیع درآمد کمک کنند.

استانداردهای مطلوب در رابطه با مالکیت معنوی قرار داده‌اند، لذا هنر سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی جمع‌کردن این دو ضرورت مهم با هم است.

از این رو باید خاطر نشان کرد نظر به اینکه دستیابی به مزیت رقابتی و توسعه پایدار در فضای اقتصادهای نوین جهانی در گرو ظرفیت و توانایی جوامع و سازمان‌ها در زمینه استفاده صحیح از منابع مبتنی بر دانایی امکان‌پذیر شناخته شده است، از این رو سرمایه‌های فکری در حال حاضر نقش مهمتری را نسبت به سرمایه‌های فیزیکی و یا مالی در جهان دارا می‌باشند که باید به هنگام برآورد توسعه‌یافتگی جوامع و سازمان‌ها به آن توجه گردد. بنابراین با توجه به مزایای گسترده تقویت نظام حقوق مالکیت معنوی و منتفع‌شدن کشورها از فواید حاصل از آن انتظار می‌رود کشورهای در حال توسعه منطقه منا به ویژه ایران به این مؤلفه جدی و حیاتی در سیاست‌گذاری‌های خود اهمیت ویژه‌ای بدهند. پیشنهاد می‌گردد به‌منظور تدوین نظام کارآمد حقوق مالکیت معنوی، فرهنگ‌سازی و مطرح‌نمودن لزوم رعایت حقوق مالکیت معنوی به عنوان یکی از چالش‌های اساسی حقوقی جهت انجام مطلوب همکاری‌های ملی و بین‌المللی و توسعه خلاقیت و نوآوری، همگراسازی فعالیت

انسانی خلاق به‌عنوان نخستین گام برای تبدیل دانش به ثروت شناخته شده است و می‌تواند موجب بهبود توزیع درآمد به ویژه در اقتصاد ایران شود ولیکن نتایج حاصل از تحقیقات و محصولات فکری بسی رقابت‌پذیر می‌باشد و ممکن است هنگامی که به‌منصه ظهور می‌رسند، به وسیله اشخاص دیگر به سهولت و بدون تقبل هرگونه تلاش و هزینه مورد سوءاستفاده قرار گیرند. بنابراین لازم است صاحبان ایده، مخترعان و نوآوران که با صرف امکانات و زمان زیاد به یافته‌های علمی و فناوری‌های جدید دست پیدا کرده‌اند، از حقوق خاصی در این زمینه برخوردار باشند. چون آنها در غیر این صورت انگیزه و تمایل خود را به ایفای نقش پیشگام در عرصه‌های مختلف تحقیقاتی و نوآوری از دست خواهند داد. ثانیاً حمایت گسترده از این حقوق، به علت ممانعت از نسخه‌برداری از فناوری، انحصاری‌کردن فناوری، افزایش قیمت کالاها و خدمات و فناوری‌ها به علت انحصار و در نتیجه بدترشدن توزیع درآمد هزینه‌هایی را بر اقتصاد وارد می‌سازد. البته این بدین معنا نیست که نبایستی از حقوق مالکیت معنوی حمایت کرد، چون مالکیت معنوی امروزه از آنچنان جایگاهی برخوردار است که اکثر سازمان‌های تجاری مانند سازمان تجارت جهانی^۱ (WTO) پیش شرط عضویت را پذیرش

1. World Trade Organization

References

1. Galbraith. J ,The Distribution Of Income, Lbj School Of Public Affairs, The University Of Texas Of Austin, UTLP Working Paper, No; 2,1998.
2. Todaro. M, Economic Development in the Third World, Translator Farjadi .GH.A, Higher Institute for Research in Planning and Development, Tehran, 1999, (In Persian).
3. Mosa Khani. GH.R, Analysis of Social Welfare in Iran and Reception of Inequalities, Thesis, Economic Department, Shiraz University, 1999, (In Persian).
4. Zibaei. M And Tarazkar. M. H, Criteria of Social Welfare and Income Distribution and Poverty in Rural and Urban Societies, Agricultural Economic and Development, Twelve Year, No. 48, PP. 137-164, 2004, (In Persian).
5. Kalande. C, Intellectual Property Foreign Direct Investment and the Least Developed Countries. Journal of World Intellectual Property; No. 5 (7), PP.11-128, 2002.
6. Tafazoli. F, History of Economic Ideas, Publication Nashre Ney, Tehran, 2004, (In Persian).
7. Mosavi Jahromi. Y, Economic Development and Planning, Publication Payame Nor, 1996, (In Persian).
8. Zarei Dolat Abadi. A.Z, Intellectual Property, Publication Takfa, 2007, (In Persian).
9. Habiba. S, New Challenges for Intellectual Property Rights, Journal of Political Science, No.4, PP. 37-64, 2007, (In Persian).
10. Ibrahim Haidar. J And Estuardo Velasquez. M Property Rights and Income Inequality, 2009, Available at: [Http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1386923](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1386923).
11. Angus C. C and Peng. S.K, International Intellectual Property Rights: Effects on Growth, Welfare and Income Inequality. Journal of Macro Economics, 2010, Available at: <http://mp.ra.ub.uni-muenchen.de/22253/>.
12. Adams. S, Globalization And Income Inequality, Implications For Intellectual Property Rights, Journal Of Policy Modeling, No; 30, PP 725-735, 2008.
13. Amegashie. J.A, Incomplete Property Rights, Redistribution and Efficiency. Social Choice and Welfare. 2007, Available at: <http://ideas.repec.org/p/gue/guelph/2007-5.html>.
14. Hosseini .S.M And Najafi. S. A, Income Distribution in Rural and Urban Areas of Iran, Journal of Agricultural Economics, Vol. 1, No. 3. PP. 37-64, 2007, (In Persian).
15. Davodi. P And Barati. M.A, Effects of Economic Policies on Income Distribution in Iran, Journal of Engineering, No. 43, PP. 283-322, 2007, (In Persian).
16. Abounoori. A And Khokar. A, the Effect of Macroeconomic Factors on Income Distribution in Iran: A Study Provincial, Journal of Economic Research, No. 77, PP.65-95, 2007, (In Persian).
17. Zibaei. H, Assess the Determinants of Inequality and Income Distribution in Iran, Journal of Planning and Budget, No. 91, PP. 29-67, 2004, (In Persian).
18. Mehregan. N And Ahmadi. A.M, the Influence Economic Of Adjustment Policies on Income Distribution in Iran, Journal of Economic Research, No. 70, PP. 209-232, 2005, (In Persian).
19. Jrjzadeh .A .R And Eghbali. A .R, The Effect Of Oil Revenues On Income Distribution In Iran, Journal Of Social Welfare, Fourth Year, No. 17, PP. 207-324, 2005, (In Persian).
20. Champernown. D.G, A Comparison of Measures of Inequality of Income Distribution. The Economic Journal, PP.787-816, 1974.
21. Jafari Samimi. A, Public Sector Economics. Publication Samt, Tehran, 1992, (In Persian).
22. Fytzpryck. T, Welfare Theory, Translator Homayon Pur. H, Publishing Game No, Tehran, 2002, (In Persian).
23. Leger. A, Intellectual Property Rights and Innovation in Developing Countries. Evidence from Panel Data. Proceedings of German Development Economics Conference, Berlin, 2006.
24. Rapp. R And Rozek. R, Benefits and Costs of Intellectual Property Protection in Developing Countries. Journal of World Trade. No. 24, PP. 74-102, 1990.
25. Park-Walter. G, International Patent Protection: 1960-2008. Research Policy, No. 37 (4), PP. 761-766, 2008.
26. Varsakelis. N.C, the Impact of Patent Protection Economy Openness and National Culture on R&D Investment: Across Country Empirical Investigation. Research Policy, No. 30 (7), PP. 1059-68. 2001.
27. Mansfield. E, Intellectual Property Protection Foreign Direct Investment and Technology Transfer. Discussion Paper 19. Washington DC: International Finance Corporation, 1994.
28. Havaei. M, Intellectual Property Rights, Journal News, Analytical Science and Technology Park Of Tehran University, No. 4, PP. 16-22, 2009, (In Persian).
29. www.cbi.com.
30. WDI, Available at: [Http://www.worldbank.org](http://www.worldbank.org).